

خاندان صدر بین دو انقلاب

سیدحسین صدر: از مراجع تقلید امروز کاظمین است که نزد پدر و عموبش، سیدمحمدباقر صدر و سیدابوالقاسم خویی، تلمذ کرده است. به اقتضای شرایط و موقعیت خانوادگی از همان ابتدا در سیاست دخالت می‌کرد. بارها در دوران بعث به زندان افتاده است و سه بار تا پای اعدام می‌رود. سال‌هاست به‌جای پدر، طهرها در مسجد الهاشمی کاظمین و غروب در صحن حرم امام کاظم(ع) اقامه جماعت می‌کند. نقش مهمی در فرهنگ اصیل شیعه دارد و در این راه، مؤسسه «گفت‌وگوی انسانی» را راه انداخته است. نگاهش به اسلام، انسانی، رحمانی و مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی است. به ضرورت حسن رفتار با اقلیت‌ها تأکید دارد و از راندن را جایز نمی‌داند. در افکار اصلاحی خود از امام‌موسی صدر تأثیر پذیرفته است. شبکه ماهواره‌ای «الاسلام» را راه انداخته تا نگاه مترقی خود را در دنیا منتشر کند.

ایران، اصفهان؛ **مرتضی مستجابی**(۱۳۰۲): فرزند علامه سیداسدالله مستجاب‌الدعواتی، فرزند حجت‌الاسلام سیدمحمدمهدی صدرعاملی است؛ از علمای فاضل و مبارز اصفهان که در روزگار حاضر بزرگ خاندان صدر در ایران، عراق و لبنان است. تحصیلات اجتهادی خود را نزد آیات عظام میرزاعبدالهادی شیرازی، شیخ‌حسین حلی، سیدابوالقاسم خویی و سیدمحمدتقی خوانساری خواند. از ابتدای جوانی وارد دنیای سیاست شد، از یاران نزدیک سیدمجتبی نواب‌مفسوی و رهبران فدائیان اسلام بود. از پهلوانان ورزش باستانی بود و امروز از پیش‌کسوتان این رشته است. مدت‌ها مدرسه علمیه صدر تهران را اداره می‌کرد. از یاران امام‌موسی صدر است.

مجتبی بهشتی‌اصفانی(۱۳۱۰-): فرزند میرزا محمدعلی شریف و بانو فاطمه‌سادات خادمی از نوادگان سیدصدرالدین موسوی‌عاملی و از مدرسین برجسته درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه اصفهان که درس اجتهاد را نزد آیات عظام سیدمحمد هاشمی‌شاهرودی و سیدمحسن حکیم و سیدابوالقاسم خویی گذرانده است. او در سال ۱۳۵۰ با افزایش فشار حکومت بعث عراق، با دعوت آیت‌الله‌العظمی حسین خادمی به اصفهان آمد و تا امروز در این شهر زندگی می‌کند.

تهران و قم: سیدصادق طباطبایی: یکسر مرحوم صادق طباطبایی روز پنجشنبه، هفتم اسفند ۱۳۹۴، از حسینیه چمران تشییع و سپس برای تدفین به مدرسه‌طر حضرت امام خمینی(ره) منتقل و در کنار مادرش به خاک سپرده شد. صادق طباطبایی دوم اسفند به دلیل بیماری سرطان، در آلمان درگذشت و یکپرش وارد تهران شد. همراه پرواز انقلاب، روز ۱۲ بهمن در فرودگاه مهرآباد بر زمین نشست و در کنار مسافران اصلی آن، امام خمینی، سیداحمد خمینی، ابراهیم یزدی، صادق قطب‌زاده، ابوالحسن بنی‌صدر، حسن حبیبی، جلال‌الدین فارسی، مصطفی چمران و...؛ چندنفری که بعدها در صف نامزد اولین رئیس‌جمهوری ایران قرار گرفتند؛ اگرچه بعضی از این مسافران، در آینده سیاسی خود بی‌شباهت به یکدیگر بودند و تا حد زیادی از هم دور. در اولین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، او یکی از ۹۶ نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری بود که ۵۰ هزار رأی در صندوق داشت؛ آرای که شاید مردم عادی به دلیل ظاهر متفاوت صادق، سهمی هرچند نامشخص در آن داشتند. طباطبایی بعد از مشخص‌شدن نتایج آرای اولین انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و غروب دولت موقت، مسیر دیگری را در سیاست پیش می‌گیرد؛ او از سپهر سیاسی ایران تا زمان جنگ ایران و عراق دور می‌شود و فعالیت سیاسی و اجرایی را کنار می‌گذارد. دیگر کمتر کسی از او خبری داشت تا آنکه در گریماگرم جنگ ایران و عراق، بار دیگر نام طباطبایی بر سر زبان‌ها افتاد. او در این مقطع در آلمان زندگی می‌کرد و چند بار به دلیل مشکلات ایران، به درخواست دولت برای ایران اسلحه و ماسک‌های ضدشیمیایی تهیه کرده بود. ولی در یک مورد خرید سلاح، حرف‌وحديث‌های بسیاری درباره تعداد سلاح‌ها منتشر شد که مایه ناراحتی و دلخوری صادق طباطبایی شد. او بعد از انتشار اسناد فوق‌محرمانه از این اتهام ترئه نشد؛ اما این اتفاق چنان کالم او را تلخ کرده بود که تا سال‌ها- سال ۸۸ - علاقه‌ای به سخن گفتن دراین‌باره نداشت. سکوت طباطبایی طولانی بود و کمتر در فضای سیاسی دیده می‌شد. اگر حرفی هم می‌زد، بیشتر درباره امام‌موسی صدر و امام خمینی و انقلاب بود. صادق طباطبایی در تمام این سال‌ها سکوت کرد تا آنکه در سال ۸۸ تلویحا از محسن رضایی حمایت کرد و در نهایت دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در حکمی، عضو بیت امام را به‌عنوان رئیس ستاد ایرانیان خارج از کشور و عضو شورای برنامه‌ریزی راهبردی خود منصوب کرد. طباطبایی از عمر سیاسی خود ناگفته‌های زیادی داشت. اما هنوز کسی نمی‌داند آیا «صادق طباطبایی»، یکی از اعضای تأثیرگذار خاندان صدر، پیش از فوت، فرصت این را داشته که ابهامات را برطرف و دو جلد بعدی کتابش را آماده چاپ کند یا نه. حالا خاندان صدر به عراق چشم دوخته‌اند، به ایران و لبنان. هنوز هم زمین سیاست، فرهنگ و ادب برای خاندان صدر لجزیره نیست و آسمان آنها پرستاره است؛ اگرچه در جایی مقتدی و حسین صدر باشد و در جایی دیگر، رباه صدر و در ایران نوادگانی از خاندان صدر مانند سیدمحمد صدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام که آن خاندان با عنوان‌هایی چون صدر، صدرعاملی، بهشتی، خادمی و مستجاب‌الدعوه شهره هستند.

politics@sharghdaily.ir

متهم پرونده فساد نفتی مدعی شد

مجوزهای محرمانه زنجانی



بازداشت

پاسخ به بازپرس مبنی بر اینکه با توجه به اسکن‌بودن امضاها، آیا آقای ح.ف.ه ذیل مصوبات را امضا کرده و اطلاعی از اسکن امضاها داشته است یا خیر؟ بیان می‌دارد که اس‌سی‌تی بنکروز سه عضو هیئت‌مدیره داشته است که نفر سوم آن آقای «ح.ف.ه» بوده است؛ بنابراین حتی اگر ح.ف.ه مصوبات را امضا نمی‌کرد با دو امضای بنده سندیت داشته است.

«ح.ف.ه»: بایک زنجانی دروغی گفته و شما آن را قبول می‌کنید.

قاضی: آیا برای ادعای جعلی‌بودن اسکن امضاهاپتان شکایت کرده‌اید؟

«ح.ف.ه»: بله شکایت کرده‌ام. قاضی: وکیل شما برای فرار از این قضیه شکایتی مبنی بر جعل بعد از بازداشت شما و بعد از کیفرخواست مطرح کرده است و این شکایت در زمان شراکت شما با بایک زنجانی مطرح شده است.

مهرشاد وکیل مدافع «ح.ف.ه»: پس از صدور کیفرخواست موکلم از بازپرس تقاضای کارشناسی امضاها را کردند. بعد از آن متوجه شدم و سه جا این شکایت را مطرح کردم.

«ح.ف.ه»: در مورد خرید شرکت از تأمین اجتماعی من از منابع آقای زنجانی خبر نداشتم.

نماینده سازمان تأمین اجتماعی: آقای «ح.ف.ه» و بایک زنجانی تفاهمنامه‌ای با موضوع خرید شرکت‌های تأمین اجتماعی به مبلغ چهار میلیارد یورو امضا کردند. قاضی: آقای «ح.ف.ه» شما چه‌کاره بوده‌اید که هم شناسایی شرکت‌ها، امضای قرارداد خرید شرکت‌ها، جلسات و دریافت چک‌ها توسط شما بوده است؟ «ح.ف.ه»: من برای اینکه متوجه شوم آقای زنجانی پول

و دستگاه‌ها بوده است. بر اساس گزارشات منفصل وزارت اطلاعات بوده است که آقای متهم توضیح دهند که علت انفصال او چه بوده است.

«ح.ف.ه»: اینکه گفته شده من زنجانی را به بانک مرکزی معرفی کرده‌ام و از اعتبارات نفتی زنجانی اطلاع داشته‌ام صحت ندارد. من درباره نقدبودن پول زنجانی برای خرید شرکت‌های تأمین اجتماعی دارای شک بودم. از معاون اقتصادی وزارت اطلاعات استعلام گرفته‌ام که گفتند زنجانی چنین پولی را دارد، بنابراین پس از اطلاع از این موضوع بنده بای تفاهمنامه را امضا کردم. قرار شد زنجانی پول شرکت‌ها را به حساب سازمان بریزد و سهام شرکت‌ها به زنجانی منتقل شود. من اعتراض کردم که این تفاهمنامه قانونی نیست، چون باید تمام شرکت‌ها یک‌به‌یک واگذار شوند. بنده نسبت به امضای تفاهمنامه استنکاف کردم. اما مسئولان وقت تأمین اجتماعی گفتند چندین نفر این تفاهمنامه را امضا کردند، شما هم امضا کن.

قاضی: امضا تعهدآور است؛ بر اساس متن تفاهمنامه شما رئیس هیئت‌مدیره شرکت سورینت بوده‌اید.

«ح.ف.ه»: چون خرید این شرکت‌ها سه تا پنج ماه طول می‌کشید و زنجانی در خارج از کشور بود، من صرفا آن تفاهمنامه را امضا کردم که بگویم قصد خرید داریم.

بر اساس کیفرخواست، من به دستور زنجانی چک‌های تضمین را از مسئولان وقت تأمین اجتماعی تحویل گرفته بودم.

قاضی: چهار جلسه حضورتان را در خرید ۱۳۸ شرکت از تأمین اجتماعی قبول دارید؟

«ح.ف.ه»: سه جلسه حضور را قبول دارم. آقای «م» دوست صمیمی مرتضوی بود و ایشان بایک زنجانی را به آقای مرتضوی معرفی کرد و من مرتضوی را نمی‌شناختم. مرتضوی از من خواست نامه‌ای دست‌نویس مبنی‌بر اینکه این مبلغ را به پنج چک تبدیل کنم بنویسم تا بخش مالی نسبت به آن اقدام کند، به اندازه سر سوزن هم این عملیات به من ربط نداشت، خودشان چک‌ها را نوشتند و اینکه چرا سه میلیارد بیشتر نوشتند ربطی به من ندارد. قاضی: دستخط خود شما در پرونده موجود است. آیا شما با ۳۰ سال سابقه کار مجری دستور بایک زنجانی بوده‌اید؟ چک تضمینی اول ۴۴۲ میلیارد یورو بوده است. چرا دو میلیارد یورو پول اضافه گرفتید.

«ح.ف.ه»: یک چک را دادند و زنجانی و مرتضوی با هم صحبت کردند و سپس زنجانی تقاضا کرد که این چک به چهار چک تبدیل شود. اشتباه آقایان بوده است و به من ربطی ندارد.

دوازدهمین جلسه دادگاه، امروز برگزار می‌شود.

درخواست برای تحقیق در مرگ یک مهاجر ایرانی در مانوس

● **ایرنا:** با گذشت چند روز از مرگ میهم یک مهاجر غیرقانونی ایرانی در بازداشتگاه استرالیا در جزیره مانوس کشور پاپواگینه نو، خانواده وی خواستار انجام تحقیقاتی درباره مرگ او شدند.تارنامای شبکه «اس‌بی‌اس» استرالیا روز دوشنبه اعلام کرد مقامات پلیس در جزیره مانوس ادعا می‌کنند حامد شمشیری‌پور، مهاجر غیرقانونی ایرانی، خودکشی کرده است، اما برخی از مهاجران مستقر در این مرکز بازداشتگاهی ویژه نگهداری از پناهندگان، می‌گویند او به قتل رسیده است.به نوشته این تارنما، این در حالی است که تعدادی از پزشکان از شرایط ناگوار روحی و به زنجانی منتقل شود. من اعتراض کردم که این تفاهمنامه قانونی نیست، چون باید تمام شرکت‌ها یک‌به‌یک واگذار شوند. بنده نسبت به امضای تفاهمنامه استنکاف کردم. اما مسئولان وقت تأمین اجتماعی گفتند چندین نفر این تفاهمنامه را امضا کردند، شما هم امضا کن.

قاضی: امضا تعهدآور است؛ بر اساس متن تفاهمنامه شما رئیس هیئت‌مدیره شرکت سورینت بوده‌اید.

«ح.ف.ه»: چون خرید این شرکت‌ها سه تا پنج ماه طول می‌کشید و زنجانی در خارج از کشور بود، من صرفا آن تفاهمنامه را امضا کردم که بگویم قصد خرید داریم.

بر اساس کیفرخواست، من به دستور زنجانی چک‌های تضمین را از مسئولان وقت تأمین اجتماعی تحویل گرفته بودم.

قاضی: چهار جلسه حضورتان را در خرید ۱۳۸ شرکت از تأمین اجتماعی قبول دارید؟

«ح.ف.ه»: سه جلسه حضور را قبول دارم. آقای «م» دوست صمیمی مرتضوی بود و ایشان بایک زنجانی را به آقای مرتضوی معرفی کرد و من مرتضوی را نمی‌شناختم. مرتضوی از من خواست نامه‌ای دست‌نویس مبنی‌بر اینکه این مبلغ را به پنج چک تبدیل کنم بنویسم تا بخش مالی نسبت به آن اقدام کند، به اندازه سر سوزن هم این عملیات به من ربط نداشت، خودشان چک‌ها را نوشتند و اینکه چرا سه میلیارد بیشتر نوشتند ربطی به من ندارد. قاضی: دستخط خود شما در پرونده موجود است. آیا شما با ۳۰ سال سابقه کار مجری دستور بایک زنجانی بوده‌اید؟ چک تضمینی اول ۴۴۲ میلیارد یورو بوده است. چرا دو میلیارد یورو پول اضافه گرفتید.

«ح.ف.ه»: یک چک را دادند و زنجانی و مرتضوی با هم صحبت کردند و سپس زنجانی تقاضا کرد که این چک به چهار چک تبدیل شود. اشتباه آقایان بوده است و به من ربطی ندارد.

دوازدهمین جلسه دادگاه، امروز برگزار می‌شود.

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر تهران برگزار می نماید: سلسله نشست های فرهنگی پژوهشی

دومین نشست : نقد و بررسی کتاب نام آوردان ایران زمین

با حضور:

مؤلف کتاب : احمد لرستانی

منتقد: مهندس ابوالحسن میر عمادی



زمان : چهارشنبه ۲۵ مرداد ساعت ۱۷:۳۰-۱۵:۳۰
مکان: خیابان مطهری، نورسیده به سپهرودی، پلاک ۱۳۰
اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی – نگارخانه تهران